برای ما چه خوابی دیده‌اند؟

گفتاری از محمد صادق شهبازی



تهیـــه و تنظیـــم:





جزوه پیش رو ماحصل سخنرانی محمد صادق شهبازی نویسنده و پژوهشگر انقلاب اسلامی در ۱۰ دی ماه ۹۶ در جلسه بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع)است.

برای دسترسی به مقالات و یادداشت های محمدصادق شهبازی به آدرس های زیر جوع کنید:

@jomhouri

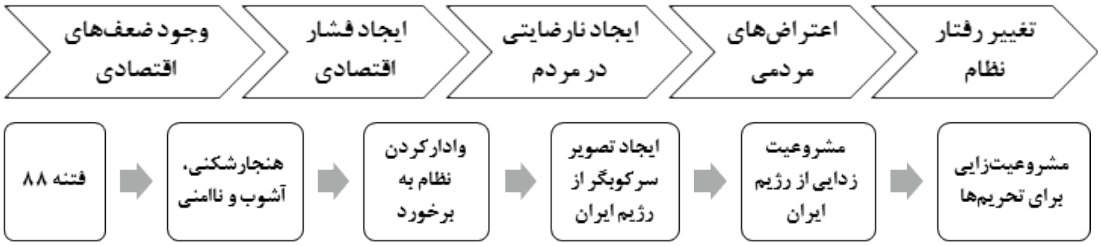
ghiam.ir

فتنه ۸۸ و برنامه تقابل مردم با نظام

فتنه ۸۸ غیر از براندازی، به دنبال گذاشـــتن مردم مقابل نظام بود. رهبر انقلاب باوجود آن‌که شواهد کافی برای برخورد با ســـران فتنه وجود داشـــت، به‌جای برخورد با آن‌ها در بدو امر به بیدارســـازی مردم، نخبگان، روحانیت، دانشجویان، هنرمندان و... پرداختند. نتیجتاً با بیداری و حضور در صحنه مردم به‌ویژه دانشجویان، برنامه دشمن برای تقابل مردم با نظام به اختلاف دو گروه مردم تبدیل شد و بعد با آگاه‌سازی، برهم زدن هژمونی رسانه‌ای، حضور در صحنه و... ماجرا برعکس شد و با ۹ دی و ۲۲ بهمن ۸۸ فتنه از کف خیابان و برهم زدن مستقیم امنیت کشور جمع شد.

تغییر نقشه دشمن بعد از فتنه ۸۸

با ناتوانی فتنه، برنامه دشمن تغییر کرد. مشکل فتنه این بود که غالباً روشنفکران، طبقات بالا، شمال شـــهری‌ها و... در آن بودند و بدنه عمومی مردم به‌ویژه مســـتضعفین را با خود نداشـــت. باید کاری انجام می‌شـــد که بدنه عمومی مردم و مشخصاً مستضعفان مقابل نظام قرار گیرند، احیاناً نافرمانی مدنی صورت دهند و نظام مجبور شود رفتار خود را در حوزه‌هایی مثل هسته‌ای، حقوق‌بشر، دفاعی و موشکی و منطقه و مشخصاً مقاومت اسلامی که به آن تروریسم می‌گفتند تغییر دهد. اینجا بود که تحریم به میان آمد و ازقضا مشروعیت‌زدایی از حاکمیت ایران در فتنه ۸۸ به تحریم‌ها مشروعیت داد.



باید کاری انجام می‌شد که بدنه عمومی مردم و مشخصاً مستضعفان مقابل نظام قرار گیرند، احیاناً نافرمانی مدنی صورت دهند و نظام مجبور شود رفتار خود را در حوزه‌هایی مثل هسته‌ای، حقوق‌بشر، دفاعی و موشکی و منطقه و مشخصاً مقاومت اسلامی که به آن تروریسم می‌گفتند تغییر دهد.

جنگ نرم جدید: تغییر محاسبات مردم و مسئولین

رهبری در این چارچوب قبل از همه نسبت به این ماجرا واکنش نشان دادند. از جنگ تمام‌عیار اقتصادی خبر دادند، از ضرورت نگاه به درون و مقاوم‌ســـازی اقتصاد ســـخن گفتند و این نگاه را در چارچوب اقتصاد مقاومتی صورت‌بندی کردند. تغییر نقشه دشمن را نیز به‌صورت نمادین در تغییر تعریفشان از جنگ نرم که تا ۸۸ در قالب تسخیر قلب‌ها و مغزها ارائه می‌کردند، نشان دادند و آن را تغییر محاسبات مردم و مسئولین معنا کردند. این محاسبه چه بود؟

در برابر نگاه جنگ ســـردی که باید به یکی از دو قطب ســـرمایه‌داری و کمونیسم وصل می‌شدید تا از جهان سوم بودن خارج شوید، انقلاب اسلامی از «نه‌شرقی، نه‌غربی» سخن گفته بود. در برابر نگاه رایجی که تنها راه را شرکت در تقسیم کار جهانی و نتیجتاً تنش‌زدایی با دنیا می‌دید؛ انقلاب اسلامی نشان داده بود، می‌توان ضمن مقاومت و ایستادگی و تنش با نظام سلطه، پیشرفت کرد.



بی‌توجهی به جنگ اقتصادی

از ۸۹ تا ۹۲ ساختار تحریم‌ها با محوریت تحریم بانکی و تحریم فروش نفت کامل می‌شد؛ رهبری مدام تحذیر می‌دادند و می‌گفتند باید مسائل را اصلی و فرعی کرد. مسئولین مقاوم‌سازی کنند حتی در افطاری دانشجویی ضمن طرح ضرورت حضور فکری و فیزیکی تشکل‌ها در مسائل سرنوشت‌ساز کشور مطالبه کردند که آیا شما در مورد قطعنامه ۱۷۳۷ موضع ندارید؟

در برابر این نگاه رهبری، جبهه انقلاب درگیر مسائل فرعی و دسته چندم بود. مثلاً این‌که آیا ماجرای انحراف وجود دارد یا ندارد؟ آقایانی که در دولت بودند، مدام درگیر حاشـــیه‌هایی مثل طرح مکتب ایرانی، مدیریت پیامبران و... بودند و آقایان اصولگرا و بعضی سیاسیون و امنیتی‌ها و نیروهای مسلح و مجلسی‌ها و... مدام در حال نفی این حرف‌ها! کار به اینجا رسید که رهبری در جمع فرماندهان سپاه با عصبانیت گفتند در مورد مواضع این‌قدر تحلیل روی تحلیل نگذارید و به بعضی روحانیون معروف تذکر دادند. رهبری مثل مواضع امام در موارد اختلافی نظیر مرحوم شـــریعتی و کتاب شهید جاوید[1] در مورد محتوای دعواها ورود نمی‌کردند که بالاخره انحراف هست یا نیست؛ می‌گفتند اصلی/فرعی کنید. مسئله مهم‌تر در مملکت، برنامه آمریکا و ابرقدرت‌ها برای تغییر محاسبات مردم و مسئولین است.

فضای حزب‌اللهی ما جای اینکه پیگیری کند که در جنگ اقتصادی دشمن دارد چه‌کار می‌کند، کجاها آسیب‌پذیر است، ظرفیت‌ها را فعال‌سازی کند، مردم را آگاه کند و... درگیر این حاشیه‌ها شد. اقتصاد مقاومتی به‌خاطر تنبلی و کم‌کاری حزب‌الله از جانب بروکرات‌ها، تکنوکرات‌ها و دکان‌دارها در ذهن مردم تبدیل شد به‌سختی کشیدن که صداوسیما هم در این تصویر نقش مهمی ایفا کرد.

بروید خاطرات کتاب «محرمانه‌های اقتصاد ایران» را که وزیر وقت اقتصاد نوشته بخوانید، ببینید، کی آقایان یادشان افتاد که تدبیرهایی بکنند؟! فضای حزب‌اللهی/ انقلابی هم پیگیری و مطالبه نداشت.

وقتی ضعف‌های ما راه را برای دشمن باز کرد

بعد که اقتصاد رها شـــد، دشمن فشـــارش را متمرکز کرد و وارداتچی‌های داخلی همراهی کردند، ماه رمضان سال ۹۱ تحریم را سر سفره مردم آوردند. با روی دریا نگه‌داشتن خوراک مرغ، قیمت مرغ را بالا بردند و بعد ماجرای انفجار قیمت سکه و ارز رقم خورد که اثر خودش را روی موارد مختلف گذاشت و عدم امکان تبادلات مالی هم در مواردی مثل دارو، به‌ویژه بیماری‌های خاص و سرطان و... اثرات تکان‌دهنده داشت و خلاصه مردمی که تا پیش از آن تأثیر تحریم برایشان ملموس نبود، ملموس شد. کار به اینجا رسید که رهبر انقلاب که تا قبل از ماه رمضان ۹۱ می‌فرمودند تحریم‌ها تأثیر نخواهد گذاشت؛ بعدازآن می‌فرمودند، تحریم‌ها اثر دارد اما ما می‌توانیم بر آن‌ها غلبه کنیم.

خلاصه اصل دعوا اقتصادی بود و در زندگی مردم هم سرریز داشت. اصل دعوا این بود که ما باید نشان بدهیم انقلاب اسلامی بعد از سی و خورده‌ای سال در اداره زندگی مردم کارآمدی دارد، باید با ناکارآمدی‌هایی که دشمن می‌توانست براساس آن بر ما فشار بیاورد، مقابله می‌کردیم. بعضی از آقایانی که این روزها اپوزیسیون شده‌اند، آن روزها قدرت دستشان بود، اما کاری نمی‌کردند و مدعیان مقابل این‌ها در اصولگرایان هم که این روزها اســـتراتژی به ما می‌دهند و داد از وحدت و... می‌زنند بر همین وضعیت بودند. بروید خاطرات کتاب «محرمانه‌های اقتصاد ایران» را که وزیر وقت اقتصاد نوشـــته بخوانید، ببینید، کی آقایان یادشان افتاد که تدبیرهایی بکنند؟! فضای حزب‌اللهی/انقلابی هم پیگیری و مطالبه نداشـــت. بعد انتظار داریم، مردمی که این‌همه بی‌خیالی و بی‌تدبیـــری از ما دیده‌اند در صندوق رأی به ما اعتماد کنند و بعد از عدم تحقق هم حرف‌های تحقیرآمیز خطاب به مردم می‌زنیم. درصورتی‌که مردم بصیرت داشـــتند و خواب‌آلودگی و عدم آمادگی جبهه انقلاب را تشخیص دادند.

رها کردن جبهه انقلاب ← خستگی مردم ← فشار دشمن ← ناکارآمدی در اداره کشور و زندگی مردم ← درگیری جبهه انقلاب در مسائل فرعی

دشـــمن ضعف ما را دید، فشـــار را وارد کرد، یک تکه‌اش را در ماجرای هسته‌ای به‌صورت کوتاه‌مدت امتحان کردند، نتیجه گرفتند؛ کوتاه‌مدت، چون تحریم اگر درازمدت شود اثرش را از دست می‌دهد، آدم‌ها خودشـــان را وفق می‌دهند، راه‌حل پیدا می‌کنند، کما این‌که ما راه‌هایی هم برای دور زدن تحریم هم برای بی‌اثر کردنش پیدا کردیم، منتها کارهای اساسی را انجام ندادیم! بعد کسی مثل روسیه تحریم‌هایش را تبدیل به فرصت کرد، حتی بعضی راه‌های نرفته ما را گرفت و اجرا کرد، پیمان پولی دوجانبه (حذف دلار از مبادلات بین‌المللی با دیگر کشورها)، جایگزینی سوئیفت و... را پیگیری کرد. چینی که تحریم نیست، بعضی از همین راهکارها را گرفته مثلاً با حدود ۶۰ کشور پیمان پولی بسته است!

فتنه‌ها و مشـــکلات پیش رو یک زمانی سطحی هستند، بعد پیچیده می‌شـــوند. دیگر صرف شعار و موضع‌گیری و آمدن در خیابان در لحظه حســـاس و... کافی نیست. لذا باید عمیق شد، صحنه، ذی‌نفعان، عاملان، نقشـــه دشمن و... را دید و براســـاس آن نقش‌آفرینی کرد. کاری که ما نکردیم و باید بپذیریم در شکل‌گیری وضع موجود، همه ما مسئولیم.

نظام مجبور شد آن عقب‌نشینی را بپذیرد چون فشار اقتصادی بود، مردم دنبال تغییر بودند و جز جمع معدودی همه نخبگان سیاسی کشور از اصولگرا، اصلاح‌طلب، بهاری و اعتدالی دنبال تنش‌زدایی و مذاکره بودند[۲]. ۱۸ میلیون نفر بالاخره رأی داده بودند به کسی که شعارش تعامل سازنده با جهان بود، البته بسیاری به دلایل دیگری رأی دادند مثل ناکارآمدی گزینه‌های روبرو و دعواهای سه سال پایانی دولت قبل و...، اما شعار جریان پیروز همین بود.

نگاه کردند دیدند مسئولین نه‌تنها کاری برای اصلاح اقتصاد نکردند، بدنه حزب‌اللهی هم همراهی نکرد و نتوانست ظرفیت مردمی ایجاد کند. از سویی در آن برهه نخبگان سیاسی از چپ چپ تا راستِ راست از اعتدالی تا بهاری از اصولگرا تا اصلاح‌طلب از مذاکره سخن گفتند.

نظام ولایت دیکتاتوری بالا به پایین نیست / رهبری به ظرفیت‌های مردم و نخبگان نگاه می‌کند

در همین چارچوب رهبری ناچار به پیشـــنهاد مذاکره تن دادند و ضمن ابراز بدبینی به آن، برای بالا رفتن ظرفیت فکری مردم راه آن را باز کردند. چون منطق ولایت علوی برخلاف تفاســـیر انحرافی که این روزها بالای منبرها گفته می‌شود، هویتی دوطرفه دارد و رهبری براساس ظرفیتی که مردم و بدنه کارشناسی کشور از خود نشان می‌دهند، تصمیم‌گیری می‌کنند. رهبری یک سیستم دیکتاتوری نیست که از بالا بگوید و همه مثل ربات عمل کنند. در نظام ولایت، همه مسئول هستند و باید ظرفیت‌سازی و امربه‌معروف و نهی از منکر کنند، همان کاری که امثال مالک، عمار، قیس‌بن‌سعد و حجربن‌عدی می‌کردند، لذا می‌بینید این‌ها پشت رهبری مخفی نمی‌شوند تبدیل به سپر رهبر می‌شدند.

مثـــلاً امیرالمؤمنین یک موقع جریربن‌عبدالله بجلی را فرســـتادند به مذاکره با معاویه. مالک اشـــتر بلنـــد فریاد برآورد که این آدم می‌رود می‌فروشـــد، این آدم عثمانی مذهب اســـت، اعتقـــاد ندارد. فضای عمومی این را می‌خواســـت و لذا امیرالمؤمنین یک سخنرانی کردند که ایشان آدم متدین و پایبندی است و جزو نیکان اهل یمن اســـت که این‌ها فرزند نهضت هســـتند و... مالک اشـــتر مثل خوارج جلوی امام یا جریر را با زور نگرفت، اما به فضاســـازی‌اش ادامه داد. آن‌قدر ظرفیت ســـاخت تا جامعه به‌قدری نسبت به جریر روشـــن شـــد که امیرالمؤمنین، عثمانی‌مذهب‌هایی مثل شبث‌بن‌ربعی را فرســـتادند خانه جریر را ویران کنند.

چه شد رهبری برجام را پذیرفت

رهبری فرمودند شـــعب ابی‌طالب نیســـتیم، بدر و خیبر و پیچ تاریخی هستیم. بعد نگاه کردند دیدند مسئولین نه‌تنها کاری برای اصلاح اقتصاد نکردند، بدنه حزب‌اللهی هم همراهی نکرد و نتوانست ظرفیت مردمی ایجاد کند. از سویی در آن برهه نخبگان سیاسی از چپِ چپ تا راستِ راست از اعتدالی تا بهاری از اصولگرا تا اصلاح‌طلب از مذاکره ســـخن گفتند. دشمن و ذی‌نفعان داخلی هم کاری کردند که تحریم سر

سفره مردم احساس شود. لذا ایشان مجبور شدند اجازه بدهند این اتفاق بیفتد. رهبری اجازه دادند مذاکره بشـــود اما چارچوبش را نرمش قهرمانانه گفتند که با مثال کشتی فرمودند ظاهرش عقب‌نشینی است اما باطنش آماده شـــدن برای حمله جدی‌تر است، از افراد مذاکره‌کننده هم حمایت کردند که کسی مشغول حمله به اشخاص نشود، اما علناً جهت‌گیری اصلی را نگاه به درون خواندند و در جلسه با بسیجی‌ها فرمودند جوانان ما مواظبت کنند یک عده راه‌حل‌ها را در خارج از کشـــور جستجو نکنند، به ملت گفتند که ببینند نتیجه مذاکره و مقاومت چیست و... . لذا یک عده باید تلاش کنند، آگاه‌سازی و ظرفیت‌سازی کنند، مردم را آگاه کنند، ظرفیت فکری مردم را بالا ببرند. وگرنه مثل بازگشت ویروس جهش‌یافته غرب‌گرایی و اپیدمی شدن آن در سال ۹۱ باز ممکن است این ماجرا تکرار شود.

اگر ظرفیت‌سازی نشود ممکن است موضع نظام در باب موشکی و منطقه تغییر کند

الآن رهبری در مورد موشـــکی و منطقه موضع‌گیری کردند که در ایـــن باب مذاکره‌ای نمی‌کنیم و مســـئولین نظام هم طوعاً و کرهاً این موضع ایشان را تکرار کردند؛ اما اگر اوضاع اقتصادی آشفته‌تر شود و به بحران بینجامد و مردم را جوری ناراضی کنند که به نافرمانی مدنی و... منتهی شـــود و حزب‌الله نتواند ظرفیت‌سازی کند؛ با توجه به فشاری که از جانب نخبگان سیاسی هست، امکان تغییر هست. کما اینکه امام خمینی تا چند روز قبل از پذیرش قطعنامه، بر موضع جنگ‌جنگ تا رفع فتنه از عالم بودند؛ اما وقتی اوضاع را دیدند که ظرفیت کشور در آستانه سوختن است، نخبگان سیاسی و نظامی همراه نیستند و مردم و حزب‌الله ظرفیت کافی ایجاد نکرده‌اند مجبور به تغییر تصمیم شدند. لذا باب مسئله هنوز باز است.

امام خمینی تا چند روز قبل از پذیرش قطعنامه، بر موضع جنگ‌جنگ تا رفع فتنه از عالم بودند؛ اما وقتی اوضاع را دیدند که ظرفیت کشور در آستانه سوختن است، نخبگان سیاسی و نظامی همراه نیستند و مردم و حزب‌الله ظرفیت کافی ایجاد نکرده مجبور به تغییر تصمیم شدند.

مشکل از تحریم نیست، از تبعیض است

وضع کنونی موارد زیادی دارد که مردم را عصبانی می‌کند؛ واردات و رکود بیکاری جدی را رقم‌زده اســـت. بیشتر از فشار اقتصادی، تبعیض برای مردم دردآور است. این‌که می‌بینند آشفتگی کنونی فشار ایجاد کرده اما برای طبقاتی هســـت و برای طبقه ای خاص نیســـت. اگر در مملکت پول نیست و کارگر ۹ ماه حقوق نگرفته، چگونه یک عده فیش نجومی می‌گیرند؟ اگر عموم مســـتضعفین گرفتار اجاره خانه هستند و در اوجش در مملکت گورخواب پیداشده و حاشیه شهرها دوباره دارد گرفتار بحران می‌شود و امثال نصیرآباد و محله کوره یزخانه دوباره رونق گرفته، پس چگونه یک عده از مسئولین املاک نجومی می‌گیرند و در خانه‌های ۵۰میلیاردی می‌نشینند؟ چگونه خودرو لوکس با ارز دولتی وارد می‌شود و... . پس معلوم است در مملکت پول و امکانات هست، این‌ها درست اداره و توزیع نمی‌شود. نباید انتظار داشت در چنین شرایطی مردم ایستادگی عجیب‌وغریبی بکنند، بله این مردم اگر ببینند تحریم هست، برای همه است و مســـئولین درحال تدبیرند، همراهی و حتی ایثار می‌کنند، چنان‌که در ابتدای انقلاب سه روز از خوشحالی قطع رابطه با آمریکا و تحریمش روزه گرفتند.

برنامه تکنوکرات‌ها: اجرای سیاست‌های ریاضتی و سرکوب منتقدین و معترضین

خب در این میان تکنوکرات‌ها چه می‌کنند؟ برنامه‌های آنان در چند ســـال گذشـــته کشور را به این وضـــع دچار کرده، حال آن‌ها به‌عنوان منجی رهنمودهای اجرای سیاســـت‌های تند ریاضتی می‌دهند و از جراحی بزرگ اقتصادی ســـخن می‌گویند. آقای مسعود نیلی مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور، معاون اسبق سازمان برنامه‌وبودجه و عضو شورای پول و اعتبار در این چند هفته دو بار صحبت کرده‌اند یک‌بار در جمع اعضای اتاق بازرگانی تهران و بعد در دومین همایش اقتصاد ایران از «ابرچالش‌های اقتصاد ایران» ســـخن گفته‌اند. بگذریم از محتوای ۶ ابرچالش و نقشی که شخص ایشان و تیم‌شان در این وضعیت داشته‌اند، ایشان

راه‌حل را سرمایه‌گذاری خارجی و ریاضت اقتصادی معرفی کرده که لازمه‌اش نیز ثبات و تنش‌زدایی مواردی ازاین‌دست است و از این سخن گفته‌اند که انتقادات و رقبای سیاسی مانع این اصلاحات هستند. البته دوستان ایشان در اتاق بازرگانی نیز مواردی ازاین‌دست را با لفافه‌هایی مثل ضرورت اجماع مطرح می‌کنند. به‌زبان ساده یعنی باید با این انتقادات مقابله کرد.

مثل اتفاقی که بعد از جنگ افتاد. زمانی که با هدایت همین دوستان در سازمان برنامه، سیاست‌های سرمایه‌برداری دولت آقای هاشمی پیش رفت و آن فجایع را به بار آورد که خود آقای هاشمی از ۷۴ آن را متوقف کرد. در نقطه شروع آقای روغنی زنجانی رئیس وقت سازمان برنامه به مجلس رفت و از ضرورت اجرای این سیاست‌ها و سرکوب معترضین سخن گفت: «من در مجلس این استدلال را کردم که اگر شما به دنبال اجرای یک سیاست مشخص هستید، باید منتظر یکسری عواقب اجتماعی-سیاسی، قادر به پرداخت هزینه‌های تصمیم خود نیز باشید. مثلاً دولت کره سیاست‌های خود را به‌صورت علنی اعلام می‌کند و به‌شدت آن را پیگیری می‌کند، وقتی هم با واکنش‌های کارگران و دانشجویان روبرو می‌شود، پلیس را برای سرکوب آن‌ها به خیابان می‌فرستد. اگر قرار باشد چنین واکنش‌هایی را شاهد نباشیم، هرگز سیاست‌ها و تصمیم‌هایی را که مدنظر داریم، اجرا نخواهیم می‌کرد»[۳]. خروجی‌اش فضایی آشفته شد و سالانه بودجه گذاشتند برای واردات لوازم سرکوب مثل باتوم، سپر و گاز اشک آور، از یک‌جایی به بعد دیدند نیروهای انتظامی فایده ندارد، نیروهای نظامی را به جان مردم انداختند. چون مردم مستضعف جنوب شهری صاحب انقلاب معترض بودند. مشهد، اسلام‌شهر و کلی جای دیگر در کشور از ۷۰ تا ۷۴ آشوب شد.

این طرح‌ریزی‌ها و حرف‌های جدیدی که می‌زنند بوی همان قصه را دارد. می‌گویند بحران است، کشور احتیاج به جراحی دارد، راهش چیست؟ ریاضت اقتصادی که حتماً اعتراض و انتقاد ایجاد می‌کند و لازمه آن برخورد با معترضین است. همان بستن فضایی که هم در برجام دیدیم، هم در ماجرای مالباخته‌های بانکی که رسانه‌ها از نقد بانک و پوشش اعتراضات منع شدند و مواردی مثل IPC (قراردادهای جدید نفتی) که معترضین بسیجی شدیداً سرکوب شدند.

این ریاضت بی‌سروصدا هم شروع شده است. نمونه‌اش همین دفترچه‌های بیمه سلامت است که تقریباً بی‌خاصیت شده است و احتمالاً به سایر خدمات اجتماعی هم سرایت کند. کارهایی مثل حذف یارانه‌ها، پیشنهاد برای افزایش سن بازنشستگی و خلاصه کم کردن هزینه‌های عمومی بخشی از این ریاضت است. موارد چالش‌برانگیز بودجه ۹۷ را ببینید! حذف یارانه ۳۰ میلیون نفر، خاطرتان هست آقای رئیس‌جمهور چهار سال پیش، بررسی حساب‌های بانکی افراد را سرکشی به زندگی خصوصی مردم خواندند. حالا از چک کردن حساب‌های بانکی گفته می‌شود. یا ماجرای افزایش قیمت بنزین، آن هم وقتی که شما کارت سوخت و سهمیه‌بندی بنزین را که عامل صرفه‌جویی ملی شده بود حذف کردید.

یعنی نه‌تنها نسخه اقتصاد مقاومتی جلو نمی‌رود که در نقطه مقابل آن راه‌حل در گره زدن اقتصاد کشور به خارج و ریاضت اقتصادی معرفی می‌شود که لازمه‌شان تنش‌زدایی در خارج و سرکوب داخلی است! بروید کارنامه ستاد اقتصاد مقاومتی را در این سه سال ببینید! جز این است که به سرنوشت ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی دچار شده است؟ آن‌وقت گویا بخش‌نامه نانوشته‌ای هست که هر کاری از جنس خلاف و واردات و... انجام می‌شود ترجیع‌بندش برخی مسئولین مصاحبه می‌کنند: «در راستای منویات رهبر معظم انقلاب و اجرای سیاست‌های اقتصاد مقاومتی»!

طرف مقابل هم سوراخ دعا را پیدا کرده، می‌داند چون ما روی ضعف‌هایمان کار نمی‌کنیم، با فشار اقتصادی می‌شود رفتار جمهوری اسلامی را مدیریت کرد. بعد هم که سر ماجرای حقوق‌بشر اروپا را جلو انداختند و وقتی دیدند حساسیتی نیست، سر موشکی و منطقه آمدند.

نه‌تنها نسخه اقتصاد مقاومتی جلو نمی‌رود که در نقطه مقابل آن راه‌حل در گره زدن اقتصاد کشور به خارج و ریاضت اقتصادی معرفی می‌شود که لازمه‌شان تنش‌زدایی در خارج و سرکوب داخلی است!

پلیس بدی به نام ترامپ، پلیس خوبی به نام فرانسه

آمریکا به‌عنوان پلیس بد، با دیوانه‌نمایی‌های حساب‌شـــده ترامپ شروع به خط و نشان کشیدن کرد؛ اما فشـــار نهایی را نیاورد و صرفاً سایه‌ای از ترس ایجاد کرد و مانند شمشیر داموکلس نگه‌داشت. چرا؟ سر مذاکرات سعدآباد در ۸۲ این‌ها تجربه کردند، امریکا تهدید کرد، اما اروپا جلو آمد، ایران همه امتیازات را داد ولی این‌ها تندتر شدند و دست ایران خالی ماند. بعد غرب‌گراها می‌گفتند تعامل با اروپا بی‌فایده است و اروپا دنباله‌رو امریکاست و ما با کدخدا ماجرا را حل می‌کنیم! بعد خود امریکا بعد از آوردن تحریم سر سفره ملت وارد شد و ایران به برجام تن داد. بعد که به قول رئیس بانک مرکزی دستاورد برجام برای ایران تقریباً هیچ شد، گفتند با اروپا تعامل می‌کنیم! یعنی به اول چرخه برگشتیم؛ منتها با این تفاوت که آن روز دست ما کاملاً پر بود و در یک موضوع خاص یعنی هسته‌ای کاری را شروع کردیم که به تعبیر رهبری خسارت محض بود ولی امروز در مسائل هویتی هستیم و دست‌مان دارد خالی می‌شود.

ترامپ تهدید و دیوانه‌نمایی حساب‌شده می‌کند؛ خب معلوم است هیچ آدم عاقلی در آمریکا حاضر نیست برگ برنده‌ای مثل برجام را که بدون دادن هیچ امتیازی همه جور امتیاز و ابزار سلطه‌پذیری از ایران گرفته را به هم بزند. می‌گوید تأیید دوره‌ای برجام را انجام نمی‌دهم، اما خب برجام به هم نمی‌خورد چون در تقسیم کار حساب‌شده کنگره هست، صحبت‌های جنجالی و تهدید می‌کند، اما «مادر تحریم‌ها» یعنی «کاتسا» را که مانند سیاه‌چاله‌ای همه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهای نظام را می‌تواند دربر بگیرد، اجرایی نمی‌کند. ۱۳ دسامبر زمانی بود که کنگره درباره ماجرای برجام موضع بگیرد، اما نگه داشتند و مثل مذاکرات هسته‌ای ۸۲، اروپا و مشخصاً فرانسه را پیش انداختند.

اتحادیه اروپا هم با نقشه راه خطرناکی با ایران تعامل می‌کند[۴] که عملاً آنچه برجام ۲ و ۳ و ۴ خوانده می‌شـــد درون آن نهفته است[۵]. ذیل آن چند دور مذاکره حقوق‌بشری انجام دادیم و اقداماتی نظیر کاهش اعدام را پیگیری کردیم که خروجی‌اش این شـــده در کرسی حقوق‌بشر سازمان ملل، همه‌شان به ما تندتر هم شده‌اند. یک مورد همین کنوانسیون پاریس بود که ما پذیرفتیم و خواست اتحادیه اروپاست و به اختیار خودمان کنترل فضای انرژی و صنعت را برای آن‌ها باز کردیم، ارتباطات علمی بی‌ضابطه و خیلی چیزهای دیگری که آنجا هست.

در مورد خاص فرانســـه که امروز طرف حساب جدی ما شـــده، از ژنو تا برجام تبدیل به پلیس بد شد که مذاکرات را به هم می‌زد و...، توافقات نانوشـــته‌ای شـــد و دیدید بیشترین کشوری که بعد از برجام با ما قرارداد بست و شرکت‌هایشان بنا شد بیایند فرانسوی‌ها شدند. فرانسوی‌هایی که از اول انقلاب از پناه دادن به بختیار و بعد بنی‌صدر و منافقین و ماجرای جنگ با ما دشمنی کردند. سوابق سیاه دیگری نیز با ما دارند مثل ماجرای خون‌های آلوده، ضربات شرکت‌های این‌ها مثل نقشه‌های تغییریافته پژو که جان صدها ایرانی را گرفت، اولین شرکت‌های رفته از ایران در ماجرای تحریم، سوءاستفاده از اطلاعات ایران به‌وسیله توتال و... . تازه بگذریم از این‌که صاحبان شرکت‌هایی مثل توتال چه کسانی هستند و به چه کانون‌های سرمایه‌داری- صهیونیستی در دنیا وصل هستند.

خلاصه این‌که ماجرای مذاکره با اروپا و فرانسه اگر پیش رفت و ایران عقب‌نشینی کرد که خب دست ایران خالی می‌شـــود و فشـــارهای بعدی ایران را به تسلیم کامل می‌رســـاند. اگر هم ایران تن نداد که این شمشیرهای داموکلس مثل سیاه‌چاله تحریم یا مادر تحریم یعنی کاتسا را پایین می‌آورند و ماجرای رمضان ۹۱ را در سطحی گسترده‌تر و در بازه‌ای فشرده‌تر دنبال می‌کنند.

الآن فعلاً با بالا رفتن دلار مردم چیز کوچکی احساس کردند اما فشار خیلی جدی به مایحتاج زندگی مردم نرسیده است. گرچه رکود و بیکاری روی دوش مردم هست. در آشوب‌های این چند روز چقدر مردم درگیر بودند؟ خیلی کم؛ اما آن فشارها که بیاید و مردم هم احساس کنند، تدبیری برای آن‌ها صورت نمی‌گیرد

در آشوب‌های این چند روز چقدر مردم درگیر بودند؟ خیلی کم؛ اما آن فشارها که بیاید و مردم هم احساس کنند، تدبیری برای آن‌ها صورت نمی‌گیرد و از سوی دیگر تبعیض هم هست، آن‌موقع این خطر هست که مثل شورش‌های ابتدای دهه ۷۰، مردم مستضعف جنوب شهری بیرون می‌آیند؛ همان کارگری که جبهه می‌رود و مدافع حرم می‌شود و ۹ دی می‌سازد، بیرون می‌آید.

و از سوی دیگر تبعیض هم هست، آن‌موقع این خطر هست که مثل شورش‌های ابتدای دهه ۷۰، مردم مستضعف جنوب شهری بیرون می‌آیند؛ همان کارگری که جبهه می‌رود و مدافع حرم می‌شود و ۹ دی می‌سازد، بیرون می‌آید.

خوش‌به‌حال‌ها و بی‌خیال‌ها هم که می‌گویند چاره‌ای نیست و تحریم هم چیز جدیدی نیست. نظام اگر به اینجا برسد که چاره‌ای نیست و بن‌بست است و پای میز مذاکره سر مسائل هویتی‌اش مثل دفاعی، حقوق‌بشر، جهان اسلام و... بنشیند؛ دیگر همان تعبیری می‌شود که رهبری گفتند که آمریکایی‌ها بدشان نمی‌آید که یک جمهوری اسلامی آمریکایی داشته باشیم، حالا یک آخوندی هم بالای سرش باشد ولی طوعاً یا کرهاً هرچه غرب می‌خواهد انجام دهد.نشریه Economist در سال ۹۲ یک مقاله‌ای نوشت بعد از ژنو که ملاها از این به بعد می‌توانند شعار دهند مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل ولی دیگر نمی‌توانند علیه آمریکا و اسرائیل اقدام واقعی انجام دهند. چرا؟ چون وقتی شما رفتی تن دادی به این تعاملات و مثلاً ساختار اصلی تولید انرژی کشور را دست شرکت‌هایی مثل توتال دادی، هر موقع خواست می‌تواند پا را بگذارد روی گلوی شما و فشار دهد، می‌تواند رفتار شما را تنظیم کند. این ماجرای آمدن شرکت‌های خارجی و در اختیار گرفتن شبکه توزیع و... که این‌قدر حضرت آقا رویش حساسیت نشان دادند و گفتند از برجام مهم‌تر است بخشی‌اش به همین‌جا برمی‌گردد. مثلاً مک‌دونالد آمد، می‌آید با کلی از مجموعه‌های زنجیره تولید شما از سبزی و گوشت و... قرارداد می‌بندند، آن‌وقت نه‌تنها فرهنگ مردم شما را متأثر می‌کند، می‌تواند امنیت غذایی شما را در دست بگیرد و شما دست از پا خطا کنی، رفتار شما را تنظیم می‌کند چراکه قدرت کنترل بازار شما را در دست دارد. آن‌وقت ماجرای قیمت مرغ ۹۱ در همه‌چیز تکرار می‌شود. با شوروی همین کار را کردند. هم فرهنگ مردم عوض شد، یک‌وقتی یک صف یک کیلومتری جلوی فروشگاه مک‌دونالد در مسکو باز شد. هم شاهرگ‌های تولید و توزیع شوروی را در هم ریختند[۶].

نشریه Economist در سال ۹۲ یک مقاله‌ای نوشت بعد از ژنو که ملاها از این به بعد می‌توانند شعار دهند مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل ولی دیگر نمی‌توانند علیه آمریکا و اسرائیل اقدام واقعی انجام دهند. چرا؟ چون وقتی شما رفتی تن دادی به این تعاملات و مثلاً ساختار اصلی تولید انرژی کشور را دست شرکت‌هایی مثل توتال دادی، هر موقع خواست پا را بگذارد روی گلوی شما و فشار دهد، می‌تواند رفتار شما را تنظیم کند.

نگاهی کلی به اعتراضات

در کشور مخصوصاً در دو سال اخیر تجمعات اعتراضی زیاد بوده است. بیش از همه کارگرهای بیکار شده یا حقوق نگرفته و مال‌باخته‌های بانکی. در شروع اغتشاشات اخیر اعلام تجمعی در مشهد شده بود، شاهدان عینی می‌گویند ابتدا ۲۰۰ ـ ۳۰۰ نفر آدم جمع شدند همین شعارهای بدهکاران بانکی را دادند که «یه اختلاس کم بشه/مشکل ما حل می‌شه، کشور ما دزدخونه است/توی جهان نمونه است». شعارهایی که این‌ها ۶ ـ ۷ ماه داشتند می‌دادند، ولی کسی به صدایشان گوش نمی‌کرد. یک ماه در قوه قضائیه تحصن کردند. نه‌تنها احدی نیامد به آن‌ها جواب دهد، بلکه با سرکوب ازآنجا جمع شدند. نه‌تنها حکومت سراغشان نرفت، با عرض شرمندگی حزب‌اللهی‌ها هم به‌صورت جدی به سراغشان نرفتند. شاهدان عینی می‌گویند اول همین شعارها بود، بعد یک‌باره ۲۰۰ ـ ۳۰۰ نفر با سروضع‌های شمال‌شهری و نخبگانی آمدند و یک‌باره شعارها تند شد و ضد رهبری و نظام و «رضاشاه روحت شاد، کشور که شاه نداره/حساب-کتاب نداره». جاهای دیگر ولی کاملاً از ابتدا شعارها و فضا همین بود؛ و دیگر کانال آمدنیوز اعلام تجمع می‌کرد. شنبه هم که دیگر همه در تهران نظاره کردید، فضا اصلاً مردمی نبود، معلوم بود سروضع‌ها شمال‌شهری، نخبگانی و اصلاً تیپ مردم عادی و کارگر دیده نمی‌شد. داخل دانشگاه تهران هم که مارکسیست‌های شاسی‌بلند سوار و لباس مارک‌دار پوش تجمع کردند. ببینید مردم شاکی‌اند، اما مردم کسانی نیستند که رضایت بدهند به صدمه رساندن به مردم یا اموالی که از جیب خودشان تهیه می‌شود. شنبه داشتند اتوبوس پر از آدم می‌سوزاندند .

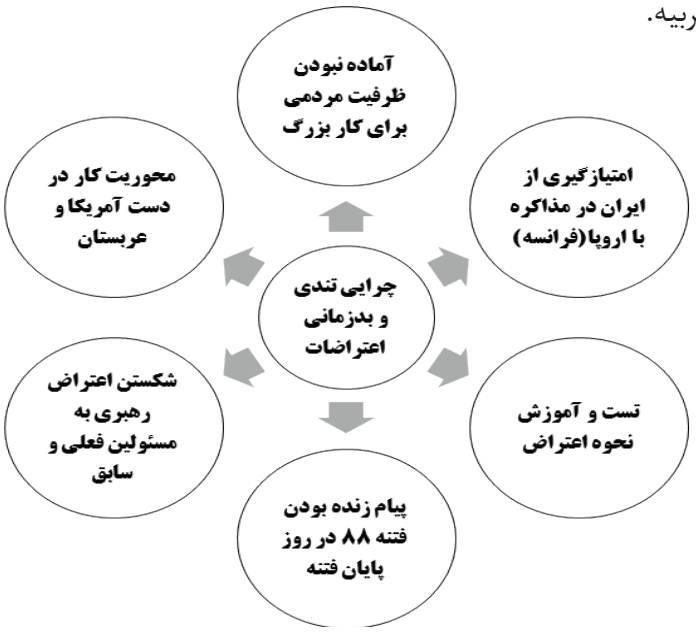
چرا دشمن به دنبال مردمی کردن اعتراضات و تند کردن آن‌ها نبود؟

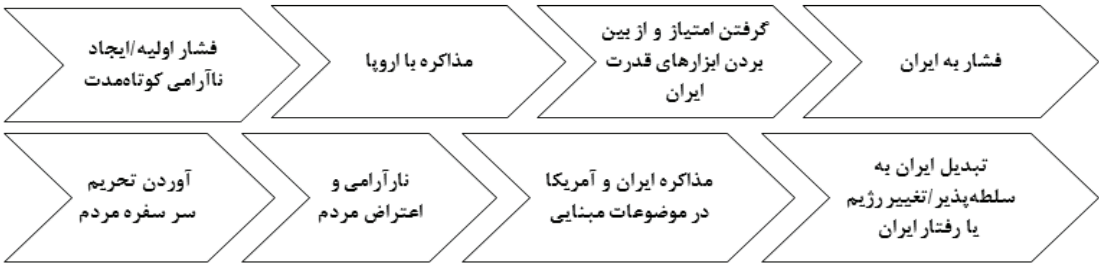
چیزی که مردمی است، شما مثل سال ۸۸ ابتدائاً تند نمی‌کنید؛ مثلاً مثل ۲۵ خرداد راه‌پیمایی سکوت برگزار کردند و جمعیت میلیونی آمد. بعد کم‌کم تندش کردند که هرچه تندتر شـــد، جمعیت ریزش کرد تا عاشـــورا و ۲۲ بهمن که چند هزاروچند ۱۰۰ نفر شدند و ماجرا تمام شد. اما این روزها کاملاً به‌عکس بود، مردمی در کار نیست. محال است کسی که فتنه ۸۸ را آن‌قدر حرفه‌ای جلو برده الآن این‌قدر آماتور برخورد کند و از ابتدا فضا را این‌قدر تند کند، کشته بگیرد، دست به سلاح ببرد و مستقیماً مردم عادی بکشد و...، بدون این‌که حسابگری کرده باشد.

به نظر می‌رسد نمی‌خواستند مردمی باشد، چون هم باوجود آن‌که فشار زیاد است، هنوز ظرفیت مردمی را کامل آماده اعتراض نمی‌بینند، لذا همه داشته‌هایشان را خرج نمی‌کنند. هم می‌خواستند نتیجه سریعی از آن بگیرند تا با زهرچشم کوچک ایران سر میز مذاکره با پلیس خوب این دوره یعنی اروپا و مشخصاً فرانسه که دوره برجام پلیس بد بود بیاید و به ایران تفهیم شود، اگر امتیاز ندهد، این‌گونه کشور را به هم می‌ریزیم. از سوی دیگر تست بود که هم ظرفیت نیروهای کف را ببینند، هم ترس اعتراض و نافرمانی مدنی را بریزند و آموزش دهند. هم مقارن ۹ دی بود و وسیله وحدت را تبدیل به شروع فتنه کردند و پیام دادند فتنه زنده است. از سویی هم بلافاصله بعد از موضع رهبری علیه اپوزیسیون نماهای فعلی و سابق درون نظام بود که می‌خواستند به‌نوعی فصل‌الخطابی ایشان را خراب کنند. دستگیری‌ها هم این‌گونه که امنیتی‌ها می‌گویند نشان می‌دهند عمدتاً لیدر ندارند و اینترنتی سامان‌یافته و بیشتر دانش‌آموز و جوان بیکار است و کمتر از ۱۰٪ دانشجو بودند.

این‌ها کار اصلی را زمانی سامان می‌دهند که دست ایران خالی‌شده باشد و فشار را به نهایت برسانند. البته باید این را هم حساب کنیم که به جای انگلیس که صحنه‌گردان میدانی ۸۸ بود، اینجا مدیریت میدان با ترامپ و محمدبن‌سلمان است که خب طبیعتاً تفاوت‌هایی دارد، نظیر تفاوت بی‌طرف‌نمایی BBC و تبلیغات تابلو در VOA و العربیه.

این‌ها کار اصلی را زمانی سامان می‌دهند که دست ایران خالی‌شده باشد و فشار را به نهایت برسانند. البته باید این را هم حساب کنیم که به جای انگلیس که صحنه‌گردان میدانی ۸۸ بود، اینجا مدیریت میدان با ترامپ و محمدبن‌سلمان است که خب طبیعتاً تفاوت‌هایی دارد، نظیر تفاوت بی‌طرف‌نمایی BBC و تبلیغات تابلو در VOA و العربیه.





جدول برنامه عملیاتی دشمن

اگر بخواهیم تقریبی جدول برنامه‌های دشمن را لیست کنیم، می‌رسیم به آغاز اغتشاش در دی‌ماه، بعد ماجراهای مربوط به FATF چه گزارش سالانه‌اش چه طی شدن فرایند تصویبش در داخل ایران، بعد مذاکره با اروپا و مشخصاً فرانسه که از ژانویه تا مارس است و علنی کردنش را هم برای مارس و سفر وزیر خارجه و بعد ماکرون به ایران گذاشته‌اند.

بعد پایان سال و فرصت به‌هم‌ریختن بازار و آوردن فشار تحریم، اگر به‌واسطه مذاکره با فرانسه اینجا هم پیچ را سفت نکنند، ماجراهای اول سال و برنامه‌های ریاضتی داخلی را داریم که طبیعتاً مستعد ایجاد تلاطم است، فروردین و اردیبهشت بازه‌ای است که این‌ها تصمیم نهایی را می‌گیرند و احتمالاً اگر تا آنجا فشار را خرج نکرده باشند، خرج می‌کنند و برآورد این است که می‌خواهند حدود اردیبهشت یا نهایتاً خرداد ایران پای میز مذاکره بیاید. چون بعداز آن‌هم جام جهانی است که همیشه اسرائیل و گاهی خود آمریکا و هم‌پیمانان هم‌زمان با آن تحرکاتی می‌کنند و دست قطع‌شده ایران به کارشان می‌آید.

این جدول احتمالی است و ممکن است، تغییر کند، لذا نفس این تاریخ‌ها جز هوشیاری و برنامه داشتن، خیلی برای ما مهم نیست، ما باید این گلوگاه‌هایی را که امکان خطر وجود دارد، محل توجه قرار بدهیم.

بعد پایان سال و فرصت به‌هم‌ریختن بازار و آوردن فشار تحریم، اگر به‌واسطه مذاکره با فرانسه اینجا هم پیچ را سفت نکنند، ماجراهای اول سال و برنامه‌های ریاضتی داخلی را داریم که طبیعتاً مستعد ایجاد تلاطم است، فروردین و اردیبهشت بازه‌ای است که این‌ها تصمیم نهایی را می‌گیرند و احتمالاً اگر تا آنجا فشار را خرج نکرده باشند، خرج می‌کنند و برآورد این است که می‌خواهند حدود اردیبهشت یا نهایتاً خرداد ایران پای میز مذاکره بیاید.

• اغتشاش در دی ماه و تهدید و ترس از تحریم • گزارش سالانه و تصویب FATF	دی
• مذاکره با اروپا	ژانویه تا مارچ
• برهم زن احتمالی بازار در شب عید	اسفند
• آغاز ریاضت اقتصادی دولت • تعیین تکلیف ایران و اروپا	فروردین
• زمان احتمالی فشار نهایی	فروردین / اردیبهشت
• زمان احتمالی مذاکره مستقیم	اردیبهشت/خرداد
• ضربه احتمالی به مقاومت همزمان با جام جهانی	خرداد/تیر

موضع سیاسیون:

۱- تکنوکرات‌ها/اعتدالی‌ها: محکوم کردن اعتراضات، استفاده برای سرکوبی منتقدین و اجرای سیاست‌های ریاضتی و گره زدن مسائل به خارج.

تکنوکرات‌ها از ابتدا به محکوم کردن اغتشاشات پرداختند. بخشی از آن البته به تفاوت مدل آن‌ها و تجدیدنظرطلبان برمی‌گردد که آن‌ها سکولارسازی (عرفی کردن) نظام را از طریق سرمایه‌داری کردن آن و گره زدن مسائل به خارج پیگیری می‌کنند[۷] که لازمه آن آرام بودن فضاست.

سیاست اقتصادی تکنوکرات‌ها به بن‌بست رسیده و عاملان وضعیت موجود، در موضع دانای کل، منجی و رهنموددهنده ظاهرشده و اجرای ریاضت اقتصادی و گره زدن مسائل به خارج را توصیه می‌کنند. هم طراحان اقتصادی وضعیت موجود، هم سودبرندگان اصلی گره زدن مسائل به خارج و سرمایه‌داری شدن کشور در اتاق بازرگانی این توصیه‌ها را می‌کنند. کافی است مواضع نشریات اتاق بازرگانی مثل «دنیای اقتصاد» و «تجارت فردا» و نسخه‌های توصیه‌ای آنان را مرور کنید. همین تیم معروفی که در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شریف و مؤسسه پژوهش‌های عالی برنامه‌ریزی نیاوران و سازمان برنامه‌وبودجه از پایان جنگ و کنترل جمعیت تا سرمایه‌سالاری افسارگسیخته دهه ۷۰، حتی کلان راه طی شده در دهه ۸۰ را طراحی کرده و امروز رسماً ساختار اقتصادی دهه ۹۰ را در دست دارد و وضعیت موجود را ایجاد کرده است.

پیشبرد آن سیاست‌ها، بستن فضا و واردکردن شوک (شوک‌درمانی) می‌خواهد که البته این روزها با عناوین فریبنده مثل جراحی اقتصادی و درد و خونریزی داشتن و... در رسانه‌ها مطرح می‌شود.

شما الآن در کف خیابان کسانی را می‌بینید که چند ماه قبل در انتخابات شعار می‌دادند: «تحریمی باغیرت، برس به داد ملت». الآن «رضاشاه روحت شاد» و «اسلام رو پله کردن مردم رو ذله کردن» می‌گویند. ولی تکنوکرات‌ها برایشان اهمیتی ندارد. آن‌ها می‌خواهند سیاست‌های تند ریاضتی و ارتباط با خارج را پیاده کنند. ازقضا مرزبندی و برخورد با چنین اغتشاشاتی دست را باز می‌کند برای برخورد با منتقدین که آن‌ها هم آشوبگر، ضدانقلاب و... معرفی شوند. خلاصه جو امنیتی و ایجاد مارپیچ سکوتی که کسی نتواند حرف بزند مطلوب این سیاست‌هاست.

نتیجه طبیعی ناکارآمدی و تشدید بحران و نارضایتی مردمی هم بازشدن فضا برای تعامل با خارج و مذاکره است که برنامه اصلی آن جریان است.

تکنوکرات‌ها برایشان اهمیتی ندارد. آن‌ها می‌خواهند سیاست‌های تند ریاضتی و ارتباط با خارج را پیاده کنند. ازقضا مرزبندی و برخورد با چنین اغتشاشاتی دست را باز می‌کند برای برخورد با منتقدین که آن‌ها هم آشوبگر، ضدانقلاب و... معرفی شوند. خلاصه جو امنیتی و ایجاد مارپیچ‌سکوتی که کسی نتواند حرف بزند مطلوب این سیاست‌هاست.

۲- سبزها، تجدیدنظرطلبان و اصلاح‌طلبان: برعهده نگرفتن مسئولیت، حمایت از نظام، پز عدالت‌خواهانه

موضع سبزها، تجدیدنظرطلبان و اصلاح‌طلبان در این میان جالب‌توجه است. برخلاف معمول اعتراضات، این‌بار نه‌تنها حمایت نکردند که اعتراضات را موضع ضدانقلاب یا حتی جناح مقابل اعلام کردند. اوجش هم یادداشت جلائی‌پور بود که با تحلیل محل‌هایی که اعتراض در آن‌ها رقم خورده گفته بود، این‌ها حامیان رئیسی بودند و در شهرهایی که رئیسی بیشتر رأی آورده، این‌ها آمدند آشوب کردند.

باید توجه کرد که بالاخره بعد از ماجرای ۸۸ عقلانیتی در این جریان شکل گرفته است که امروز آقای خاتمی مصاحبه می‌کند و به‌نحوی اعلام برائت می‌کند. چهره‌های اصلاح‌طلب یا سکوت می‌کنند یا اعلام برائت می‌کنند، یا حتی معترضین را ضدانقلاب خوانده و یا به جناح مقابل نسبت می‌دهند. سال ۸۸ هیچ‌کدام اعلام برائت نکردند، البته نتیجه همراهی و مدیریت اعتراضات هم این شد که با آن‌ها برخوردهایی شد، فضا برایشان بسته شد، بدنه عمومی‌شان را از دست دادند، تشکل‌های بزرگ و اصلی‌شان مثل مشارکت و مجاهدین انقلاب تعطیل شد، قدرت سازمان‌دهی میدانی‌شان را از دست دادند، بدنه‌شان انگیزه را از دست داد، در انتخابات رد صلاحیت شدند و... .

اول این خودش پیروزی نظام است که معترضینش را درون سیستم آورده و مجبورند خط خودشان را با بیگانه جدا کنند.

دوم اپوزیسیون به خارج از کشور رفت، این هم مثبت است چون اپوزیسیون خارج، درنهایت واقعی نیست و قدرت اثرگذاری‌اش محدود است مثل سلطنت‌طلب‌ها و منافقین و... که در طول چهار دهه گذشته حاشیه بوده‌اند؛ اما بخشی‌اش منفی است که دیگر مسئولیت ماجراها از داخل سلب می‌شود. دستگیری‌ها هم نشان می‌دهد شما با یک‌سری بچه حتی دانش‌آموز مواجهی که اینترنتی هدایت‌شده‌اند؛ یعنی لیدر جدی در کار نیست.

سوم اما این‌ها به عقلانیت رسیدند که دیگر حاضر نیستند هزینه‌ای مثل ۸۸ بدهند. دنبال پیشبرد بی‌هزینه اهدافشان درون سیستم هستند. محمد قوچانی ۷ مهر ۹۲ فردای صحبت تلفنی روحانی و اوباما و روز بازگشت روحانی به ایران سرمقاله معروفی نوشت در هفته‌نامه آسمان، با عنوان حاکمیت یگانه. لب حرفش این بود که اصلاح‌طلبان یک اشتباهی کردند، در دوره دوم خرداد گفتند حاکمیتِ دوگانه، نهادهای انتصابی و رهبری و سپاه و مراجع و حزب‌اللهی‌ها (در تعبیر آن‌ها کفن‌پوشان) را جلوی خودشان قراردادیم. تئوری حجاریان بود، فتح سنگر به سنگر نهادهای انتخابی. بعد نظام، رهبری، کفن‌پوشان، سپاه، مراجع و... جلوی حرکت ایستادند؛ اما روحانی کاری با نهایت حاشیه کرده که هم رهبری دارد حمایت می‌کند، هم کفن پوشان ساکت هستند، هم مراجع مشکلی ندارد هم سپاه مخالفت نکرده و... . «بزرگ‌ترین اشتباه استراتژیک اصلاح‌طلبان در دهه گذشته طرح نظریه حاکمیت دوگانه بود و بزرگ‌ترین برنامه استراتژیک اعتدال‌گرایان در دهه آینده طرح نظریه حاکمیت یگانه است. ... اکنون به معنای واقعی کلمه همه اجزای حاکمیت یگانه و یکپارچه‌شده‌اند و تندروها به حاشیه رانده‌شده‌اند». از این به بعد ما باید به دنبال حاکمیت یگانه باشیم، یعنی ما از این به بعد باید برویم در قالب چارچوب نظام اهداف خودمان را پیگیری کنیم.

از آن به بعد شروع کردند به حزب‌اللهی‌ها و انقلابی‌ها بگویند ضد ولایت چراکه رهبری دارد از مذاکرات و دولت حمایت می‌کند، پس شما چه دارید می‌گویید؟ همان‌چیزی‌که در تعالیم جین‌شارپ در مورد انقلاب مخملی هست که محاکمه معکوس بکنید، یعنی حامیان اصلی حکومت و انقلاب را با شعارهای انقلاب محکوم کنید که هم منفعل شوند هم هیچ‌کدام از مردم حاضر نباشند با آن‌ها تعامل کنند. اصلاً برچسب افراط و چپ اسلامی برای همین ساخته شد. چیزی که از داعش تا بسیجی‌ها را می‌توان در آن گنجاند.

البته همان‌روز یک‌عده بسیجی پیدا شدند رفتند فرودگاه مهرآباد اعتراض کردند، هزینه‌اش را هم دادند و با تشکیل کمیته صیانت منافع ایران، فضا را قدری تغییر دادند. رهبری هم روی آن اعتراض از اقدام نابجا در نیویورک گفتند؛ اما خط مقابل همین است.

اصلاح‌طلبان اما در همین‌جا متوقف نمی‌شوند، با توجه به فضای آشفته‌ای که در این دولت ایجادشده و فشاری که بر مردم آمده است، ضمن آنکه اصلاح‌طلبان فاکتوری کلیدی و امتیازگیر در این دولت هستند، اما به دنبال جدا کردن خط خود از این دولت نیز هستند تا مسئولیت اوضاع بر دوش آنان نباشد. مثل کاری که در سال‌های ۷۵ و ۷۶ تا ۷۸ با دولت هاشمی کردند و به‌عنوان مخالف هاشمی وارد شدند و پیروز انتخابات مختلف شدند.

از چندی پیش رویکرد آن‌ها عوض شد. خاتمی به‌ویژه در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تهران از ضرورت پرداختن به عدالت اجتماعی گفت[۸]. دفتر حزب اتحاد ملت به نازی‌آباد رفت و حجاریان به هم‌محله‌ای‌های سابقش نامه نوشت[۹] و بعد از آن انبوهی از برنامه و سخنرانی و... در مورد عدالت اجتماعی از رسانه‌ها تا احزاب، شبکه‌های اجتماعی و تشکل‌های دانشجویی اصلاح‌طلب شکل گرفت[۱۰]. تا آنجا که حتی بیانیه کارگزاران در مورد اغتشاشات از فقر و فساد و تبعیض صحبت کرده است[۱۱]. در ابتدای دولت هم

از چندی پیش رویکرد آن‌ها عوض شد. خاتمی به‌ویژه در جمع اعضای انجمن اسلامی دانشگاه تهران از ضرورت پرداختن به عدالت اجتماعی گفت. دفتر حزب اتحاد ملت به نازی‌آباد رفت و حجاریان به هم‌محله‌ای‌های سابقش نامه نوشت و بعد از آن انبوهی از برنامه و سخنرانی و... در مورد عدالت اجتماعی از رسانه‌ها تا احزاب، شبکه‌های اجتماعی و تشکل‌های دانشجویی اصلاح‌طلب شکل گرفت. تا آنجا که حتی بیانیه کارگزاران در مورد اغتشاشات از فقر و فساد و تبعیض صحبت کرده است.

حجاریان گفته بود اصلاح‌طلبان داخل دولت نروند و رویه حمایت و انتقاد را پی بگیرند. احتمالاً این رویه تا انتخابات بعدی مجلس و ریاست‌جمهوری تداوم داشته باشد و اصلاح‌طلبان با جلوانداختن چهره‌های سالم‌تر، کم‌حاشیه‌تر و ساده‌زیست‌تر که وجهه‌هایی از مطالبه‌گری هم داشته است پیروز انتخابات شوند.

۳- بهاری‌ها: حمایت نسبی، سیاه‌نمایی و گرفتن پز اپوزیسیون

بهاری‌ها اما از مدت‌ها قبل و مشخصاً نهی از ورود در انتخابات و بعد رد صلاحیت کاندیدایشان موضع سیاه‌نمایی وضع کشور را دارند. حتی بعضی‌هایشان صراحتاً گفته‌اند با وضعی که هست، اعتراضات شکل می‌گیرد، مردم می‌آیند در خیابان و دولت هم کسی نیست که فضا را درست کند. پس ما باید معارض وضع موجود باشیم. به‌همین خاطر شروع کردند انتقادات تند و برون‌گفتمانی و مأیوس کردن و خارج از چارچوب عمل کردن و...

بعد می‌گویند نظام و بعضاً حتی رهبری اراده‌اش این بود که مثلاً برجام و... شکل بگیرد و این سیره بعد از امام است. جالب است، در ماجرای رد صلاحیتشان می‌گویند نظام باید مردم‌سالاری را ملاک قرار می‌داد، در ماجرای برجام می‌گویند رهبری باید جلوی ۱۸ میلیون نفری که به کاندیدایی که شعارش تعامل سازنده با جهان بود می‌ایستاد!!

در مورد ظلم‌های به مردم نظیر ماجرای بدهکاران بانکی، کامیون‌داران، فسادها و تبعیض‌ها، کارگران و... ساکت بودند. بعد موقعی که نظام حضورشان را در انتخابات به صلاح ندانست، یا دادگاه رفتند، مدعی شدند و دم از فساد همه‌چیز و ... زدند. به تندترین و رادیکال‌ترین شیوه اعتراض کردند و بعد می‌گویند نمی‌شود کاری کرد و ضمن مأیوس و منفعل کردن بچه‌های حزب‌اللهی، آب به آتش اغتشاشات می‌ریزند.

هزاران جا می‌توان تلاش کرد و عمق فجایع را کنترل کرد؛ اما با تصویر سیاه بودن وضع، بدنه‌ها را به‌جایی کشانده‌اند که همه بگذارند اوضاع بدتر بشود، به اسم مقابله با محافظه‌کاری، محافظه‌کاریِ مضاعف ایجاد کرده‌اند. انجمن حجتیه مگر حرفشان چه بود؟ می‌گفتند باید آرمانی‌ترین شرایط برقرار باشد، حالا که ۱۰۰ در دست ما نیست، به هیچ‌چیز پایین‌تری تن نمی‌دهیم.

سخنرانی معروف شیخ محمود حلبی لب حرفش همین بود: «شما یک افسر و یک پیشوا و رهبر معصوم پیدا کنید. رهبری که بتواند اداره اجتماع کندروی نقطه عصمت نه عدالت، ... اول او را پیدا کنید ... رهبر معصوم داشته باشی، آن‌وقت برو جانت را بده... باید جنگ روی موازین دین به رهبری معصوم نه عادل، عادل کافی نیست... عادل گاهی اشتباه می‌کند، خون مردم، مال مردم، عرض مردم، ناموس مردم را نمی‌توان داد به کسی که خطا می‌کند»[۱۲]؛ یعنی مردم در فقر، فساد و تبعیض غوطه‌ور باشند تا جامعه به‌جایی برسد که امام زمان بیاید. منطق همان منطق است.

این‌ها امروز مدعی برجام شده‌اند که رهبری چرا برجام را پذیرفته و... یادشان نیست، خودشان قبل از همه از مذاکره با آمریکا می‌گفتند و مشخصاً در تهران و نیویورک خود بخشی از پازل بودند. بگذریم از اینکه رها کردن اقتصاد از ۸۹ تا ۹۲ و تدبیر نکردن برای تحریم‌ها زمینه‌ساز وضع موجود شده است.

به این هم فکر نمی‌کنند اگر نظام متزلزل شود، بعداً مردم نه این‌ها نه حتی سران فتنه را هم نمی‌پذیرند و می‌روند سراغ کسانی که از اساس مخالف نهضت بوده‌اند.

۴- محافظه‌کاران و اصولگرایان: دعوای سیاسی و انفعال

محافظه‌کاران و اصولگرایان نیز که صرفاً دعوای سیاسی مسئله‌شان است. صرفاً در حال تقلیل ماجرا به مسئله سیاسی هستند. حتی جواب غرب را هم می‌خواهند صرفاً با موضع‌گیری سیاسی علیه غرب و مذاکره نمی‌کنیم بدهند. درنهایت گرفتار انفعال هستند و بدنه را به مواردی مثل خدمات اجتماعی می‌خواهند

محافظه‌کاران و اصولگرایان نیز که صرفاً دعوای سیاسی مسئله‌شان است. صرفاً در حال تقلیل ماجرا به مسئله سیاسی هستند. حتی جواب غرب را هم می‌خواهند صرفاً با موضع‌گیری سیاسی علیه غرب و مذاکره نمی‌کنیم بدهند.

سـرگرم کنند. نه‌تنها راه‌حلی ندارند، موجب انفعال بدنه شده و با بازی در پازل دشمن و رقبای سیاسی، با توجه به نداشتن پایگاه مردمی و جذاب نبودن برای مردم و عدم اراده، ناچارند به سازش تن بدهند. بگذریم از این‌که آنان نیز همپای تکنوکرات‌ها، اصلاح‌طلبان و بهاری‌ها از قبل به دنبال مذاکره بوده‌اند



آیا در بن‌بست هستیم؟

این صحنه را که می‌بینیم یک عده می‌گویند خب اوضاع بد است. بله بحران داریم، اما بن‌بست نداریم. بن‌بست وقتی اســت که همه کارکرده‌ایم و راهی نمانده و می‌بینیم ظرفیت جامعه و کشور کاملاً در حال سوختن اســت؛ اما وقتی می‌بینیم هزار راه نرفته هست که شدنی و ممکن است آن‌وقت بن‌بست نداریم. انقلابی‌گری چیست؟ تعریف رهبری می‌گوید بن‌بست شکنی است.

ما روزهای بدتری‌تر دیده‌ایم که شب می‌خوابیدیم صبح می‌گفتیم جمهوری اسلامی هست یا نه مسئولین کشور می‌گفتند رفراندوم، از خانواده تا هر محل عمومی دعوا بود، ما هیچ ظرفیت بالفعل و امیدی در هیچ حوزه فرهنگی، علمی، سیاسی، اقتصادی و... نداشتیم. ما آن روزها را دیدیم و نصرت خدا را. ما خیلی داشته‌ها داریم که آن روزها نداشتیم. بالاتر از همه نصرت خدا هست، به‌شرط اینکه بیدار باشیم و فعالیت کنیم.

مهم‌تر از همه ما امروز زبانمان دراز اســت که به‌جای متهم، مدعی هستیم که راه درست که اقتصاد مقاومتی بوده طی نشده و وضعیت کنونی حاصل بی‌تدبیری و گره زدن مسائل به خارج است.

مسئله اهم، مردم مستضعفی هستند که تحت‌فشارند و از فضای تبعیض و ناکارآمدی متضرر شده‌اند. این‌ها باید به حرف و تضییع حقشان رسیدگی شود. هم باید حکومت این کار را انجام دهد، هم باید حزب‌الله از حکومت مطالبه کنند

چه باید کرد؟

الف- جدا کردن خط مردم مستضعف معترض از آشوبگران و صدای مردم شدن

یک نکته مهم جدا کردن خط مردم مستضعف معترض از آشوبگران و برهم زنندگان نظم عمومی است. با آشوبگران که باید مقابله کرد. اصل مقابله هم با حضور در صحنه است، اما آشوب کوتاه است.

مسئله اهم، مردم مستضعفی هستند که تحت‌فشارند و از فضای تبعیض و ناکارآمدی متضرر شده‌اند. این‌ها باید به حرف و تضییع حقشان رسیدگی شود. هم باید حکومت این کار را انجام دهد، هم باید حزب‌الله از حکومت مطالبه کنند و هم به این افراد کمک کنند که صدایشان درست ابرازشده، به گوش مسئولین و افکار عمومی برسد و درست به آن رسیدگی شود. رسیدگی به مطالبات مردم اصل است، اما کافی نیست، لازم است مردم مستضعف، احساس کنند سیستم، نظام، حزب‌اللهی‌ها دنبال مسائل این‌ها هستند. ما گاهی رسیدگی می‌کنیم ولی احساسش در مردم ایجاد نمی‌شود، مثلاً روز اول زلزله همه سلبریتی‌ها اعلام کمک کردند و بعضی‌ها رفتند در منطقه، اما از آن روز تا حالا امثال حاج ســعید قاســمی، حسین یکتا، باقرزاده، گردان‌های فاتحین و... در منطقه‌اند، اما دیده نمی‌شوند.

شب انتخاباتی نباشیم

سیاسیون و مشخصاً راستی‌ها شب انتخابات یاد مردم می‌افتند. ما هم متأسفانه همین‌طور هستیم. اکثرتان در انتخابات اخیر به‌نوعی در تهران، شهرستان‌ها، روستاها و... رفتید تبلیغ کردید. بعداز انتخابات ما یک فراخوان تجربیات انتخابات در کانال جمهوری[۱۳] دادیم که بیشترش هم همان‌جا منتشر شد. اکثر قریب‌به‌اتفاق تجربیات به اینجا ختم می‌شد که مردم می‌گفتند حرف‌های شما درست است، اما چهار سال کجا بودید؟ فکر می‌کنند آمده‌اید از آن‌ها سواری بگیرید؛ اما اگر آن مردم شما را ببینند که در این اوضاع آشفته پیگیر مشکلات و مسائلید، آن‌وقت نه‌تنها به شما اعتماد می‌کنند، بلکه در امثال انتخابات و... هم به شـــما نگاه می‌کنند. چنان‌که تا قبل از شهید کردن جهاد ســـازندگی در اکثر شهرستان‌ها و روستاها همین‌طور بود.

سیاسیون و مشخصاً راستی‌ها شب انتخابات یاد مردم می‌افتند. ما هم متأسفانه همین‌طور هستیم. اکثرتان در انتخابات اخیر به‌نوعی در تهران، شهرستان‌ها، روستاها و... رفتید تبلیغ کردید. بعداز انتخابات ما یک فراخوان تجربیات انتخابات در کانال جمهوری دادیم که بیشترش هم همان‌جا منتشر شد.

تجربه‌هایی از هدایت حرکت‌های مردمی

یک کار خوب یک گروه دانشجویی در ماجرای اعتراض کامیون‌دارها کرد. این‌ها مدام تجمع و همایش مسجدی و... می‌گذاشتند، سیستم هم تندترین برخورد را با این‌ها می‌کرد. این گروه دانشجویی از بچه‌های عدالت‌خواه رفتند سراغ آن‌ها، اولاً صدایشان شد و در حمایت از آن‌ها موضع‌گیری کرد. ثانیاً کمک کرد که آن‌ها در تهران صدایشان شنیده شود، کنفرانس خبری گذاشت، آن‌ها را به دانشگاه‌ها برد، کمک کرد سامانه پیامکی برای مسئولین و رسانه‌ها داشته باشند، با نخبگان و مسئولین و چهره‌ها و نماینده‌ها جلسه بروند و خلاصه کمک کردند مطالبات آنان مدنی ابرازشده و شنیده شود. الآن نه‌تنها صدای آن‌ها شنیده شد بلکه ســـردمداران حرکت خودشان چهره شدند و کار به‌جایی رسید که قوه قضائیه هم آن‌ها را تبرئه کرد. این‌ها پای‌کار همراهی با دانشجویان هم آمدند. همین کار در ماجرای مسکن مهری‌ها شد، گروهی کمک کردند به آن‌ها برای شکل‌گیری مطالباتشان که در رأسشان مرحوم جواد جلال‌فر بود. خب چرا این کارها را فراگیر نکنیم؟

هماهنگی و کمک به حرکت‌های منسجم اعتراضی

ما با دودســـته مواجهیم. یک دسته گروه‌های مردمی هستند که منسجمند مثل همین مال‌باختگان بانکی، کارگران کارخانه‌های تعطیل‌شـــده و بیکارشـــده، پرســـتاران، معلمان و... . این‌ها انسجامی دارند، تشکل خودجوش یا رســـمی دارند. می‌توان رفت آن‌ها را پیدا کرد، لیدرهای‌شان را توجیه کرد، کمکشان کرد، برایشـــان کنفرانس خبری گذاشت، نامه زد از مسئولین درخواست پاسخ به مطالبات آن‌ها را کرد. به رسانه‌ای شدن کار آن‌ها کمک کرد مثل مستندی که بچه‌های بسیج دانشکده فنی دانشگاه تهران از تحصن مالباخته‌های بانک مرکزی مقابل قوه قضائیه ساختند. از حرکت‌های این‌ها حمایت کرد و... . باید تشکل‌ها سازمان‌دهی‌اش کنند، حتی کار جبهه‌ای کنند که هر تشکل سراغ یک مجموعه برود. البته تا به آنجا برسیم، همین حرکت‌های کاتوره‌ای و موردی هم مفید است. مخصوصاً شما به‌عنوان امام صادقی‌ها که درگیری‌های معمول درون دانشگاهی را مثل دیگران ندارید، می‌توانید موتور محرکش باشید. از شما آگاه کردن و سرخط آوردن بقیه تشکل‌های انقلابی انتظار می‌رود. یک کار مهم مطالبه شنیده شدن صدا و عدم برخوردهای تند با این گروه‌هاســـت. البته باید با آدرس‌های غلطی مثل درست شدن یک پارک اعتراض که تنها کارویژه‌اش خارج کردن اعتراض از اثرگذاری است، مقابله کرد.

فضا درست کردن برای عموم مردم

یک کار هم فضای عمومی مردم است، مخصوصاً در محلات مستضعف و جنوب شهر و... . شهرهایی

که بیشتر از آشوب‌ها متلاطم شد دقیقاً جاهایی بود که ازنظر استضعاف، بیکاری، آسیب‌های اجتماعی و... در رده‌های بالا بود. باید به سراغ این مناطق برویم. جاهای مستضعف‌نشین، کارگرنشین و بقیه محیط‌های مردمی. می‌شود در این مکان‌ها برنامه‌های مردمی برگزار کرد، مثل جلسات پاسخ‌خواهی، محاکمه مردمی و... باید برای این تشـــکل‌های فراگیر مثل هیئات، بسیج‌های شهری و... را هم پای کار آورد، مثلاً می‌شود، محاکمه مردمی برگزار کرد. اگر نیامدند در رسانه‌ها منتشر کرد و جایشان، صندلی خالی گذاشت. هر جلسه هم که برگزار می‌کنید، چه مسئولین همراه با مردم چه ناهمراه‌ها را می‌آورید، مطالبات و وعده‌ها را پیگیری کنید، مثلاً هفتگی بیانیه پیگیری بدهید.

البته باید توجه کرد هدف عموم مردم است نه مسجدی‌ها اما می‌خواهیم همه ببینند این متدینین و انقلابی‌ها هستند که پای کار مردمند. لازم نیست حتماً جلسه در مسجد باشد، حتی محیط عمومی‌تر ممکن و گاهی بهتر است، اما باید فهمیده شود که حزب‌اللهی‌ها و به‌عبارتی بخشی از نظام به سراغ مردم آمده‌اند.

حالا این کف کارش اســـت، کارهای دیگری هم می‌شود کرد. کارهای رسانه‌ای و... البته باید از فضای بسته و دورهمی فضای مجازی حزب‌اللهی‌ها دربیاییم.

خدمات اجتماعی هم کار خوبی است، منتها اگر با درگیر شدن با عوامل استضعاف همراه نباشد، مثل کارهای خیریه سرمایه‌دارها بی‌اثر و حتی مخدر می‌شود[۱۴].

بسیجی‌گری به حساسیت مستقیم به توهین‌های طرف مقابل نیست، این است که داری می‌بینی دارد به نام مشکلات معیشتی به رهبری و نظام فحش می‌دهد؛ خلع سلاحش کنید! مطالبات مردم را بگویید و نشان دهید این‌ها درد مردم ندارند! ده برابر تبلیغ است برای آقا که با اینکه او یک توهین اسمی به آقا کرده، احساساتت جریحه‌دار شده نشان بدهی بسیجی‌های رهبر، دنبال مطالبت مردمند

استراتژی مقابله با آشوبگران: حضور در صحنه و مطالبه خواست مردم و ضایع کردن آنان.

ناظر به آشوب هم عمده حضور در صحنه است. امام در درگیری‌های اول انقلاب، به‌ویژه در دانشگاه‌ها می‌گویند یا بروید چهره به چهره با این آدم‌ها صحبت کنید، بکشیدشان بیرون و توجیهشان کنید[۱۵]، یا بروید مقابل این‌ها خودتان تجمع به راه بیندازید. همین‌ها باعث شد، سال ۸۸ ما از فضای انفعال دربیاییم، برویم مقابل این‌ها تجمع بگذاریم. ورقه پخش کنیم، بحث کنیم و... . این یکی از اتفاقات بسیار مهمی بود که سال ۸۸ باعث شد فضا برگردد. دعوای نظام با مردم را جمعیت دانشجویی توانست تبدیلش کند به اختلاف دو گروه از مردم و بعد هم کم‌کم از طرف مقابل کاست تا تبدیل به دعوای مردم با آشوبگران شد. به‌جای دعوا با شعارهای ضد رهبری و ولایت و نظام، با شعارهای خودشان و با مطالبات مردم محکوم شدند. سال ۸۸ یکی از بُردهای ما این بود، شعارهایی که این‌ها خودشان را صاحب‌دکان آن می‌دانستند، به خود آن‌ها برگرداندیم. مثل آزادی، جمهوریت و... .

مشکل الآن این است که بچه‌های بسیجی ما الآن ناامید هستند. می‌گویند این کارها چه اثری دارد. ما اثرمان شاید کوچک باشد، اما سرنوشت نظام به این میزان کوچک بسته است. در ۸۸ اگر کارهای دانشجویی مثـــل تبیین‌ها، تجمعات خیابانی، بزرگ کردن ماجرای توهین به امام، تقابل روز عاشـــورا از طریق هیئت دانشـــگاه تهران، تجمعات متقابل، برگرداندن شعارهای آن‌ها به خودشان و... نبود، کار به این راحتی جمع نمی‌شد، رهبری هم این را گفتند.

بسیجی‌گری به حساسیت مستقیم به توهین‌های طرف مقابل نیست، این است که داری می‌بینی دارد به نام مشکلات معیشتی به رهبری و نظام فحش می‌دهد؛ خلع سلاحش کنید! مطالبات مردم را بگویید و نشان دهید این‌ها درد مردم ندارند! ده برابر تبلیغ است برای آقا که با اینکه او یک توهین اسمی به آقا کرده، احساســـاتت جریحه‌دار شده نشان بدهی بسیجی‌های رهبر، دنبال مطالبات مردمند و طرف مقابل مردمی نیست؛ مثل این شـــعارهای خوبی که در نه دی مشهد و کرمانشاه و تجمع بسیجیان دانشگاه تهران داده شد[۱۶].

این هم بخش عمده‌اش کوتاه‌مدت نیست. منتها از الآن باید ارتباط گرفته شود، هسته‌ها را پیدا کرد، حتی اگر برنامه‌های طرف مقابل چنان‌که انتظار داریم پیش نرود.

درســـت یا غلط، مردم، بسیجی‌ها و حزب‌اللهی‌ها را به چشم نظام جمهوری اسلامی می‌بینند. از این روحانی که کشتند درس عبرت بگیریم، از او پرسیدند چرا روحانی را کشتی؟ گفته بود من کارم را در قوه قضائیه گیر انداخته بودند، می‌خواستم از کسی که از خود این سیستم باشد، انتقام بگیرم. سیستم مساوی است با آخوند، بعد یک روحانی میان‌سال پیدا کرده بود و با کارد او را به شهادت رسانده بود. مردم و کارگران و بدهکاران بانکی وقتی مسئولین و بعد ما را کنار خودشان ندیدند، امید خود را از دست می‌دهند. ازاین‌سو ما می‌توانیم با استفاده از این ظرفیت، مردم را به نظام امیدوار کنیم که با حضور ما احساس کنند بخشی از نظام دنبال زندگی آن‌هاست.

باید نشان دهیم دستای پینه‌بسته/پای نظام نشسته

یک سرخط مهم ما این است که نشان دهیم دست‌های پینه‌بسته یعنی مستضعفین پای نظام ایستاده‌اند. تجمعات مردمی این روزها مثل ۹ دی مشهد همین‌گونه بود. این پیروزی ما است، اما نتوانستیم همین را در رسانه نشان دهیم، مثل همان مشکلی که ۸۸ داشتیم که توازن رسانه‌ای نبود. باید برای نمایش واقعیت پشتوانه مردمی–مستضعفینی نظام فکر کرد. ما این توازن را هم باید به هم بزنیم.

ب) مطالبه اجرای اقتصاد مقاومتی و نفی سیاست‌های سرمایه‌سالارنه، ریاضتی و گره زدن مسائل به خارج

سیاست‌های سرمایه‌داری و وابسته‌گرا وضعیت موجود را رقم‌زده است. نه‌تنها این روند باید متوقف شود که باید حرکت در جهت مخالف این سیاست‌ها پی گرفته شود. بسته سیاستی برای مقابله با جنگ اقتصادی و آسیب‌های اقتصاد در کشور تهیه‌شده و تحت‌عنوان «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» ابلاغ‌شده است[۱۷]، رهبری در جلسه با سران قوا و مسئولین اقتصادی کشور به تبیین آن پرداخته‌اند[۱۸]؛ اما روی زمین نمی‌توان اثری را به‌راحتی پیدا کرد. رهبری برای دومین سال پیاپی نام سال را هم اقتصاد مقاومتی آن هم با پسوند حاکی از نارضایتی از اجرا یعنی «اقدام و عمل» گذاشـــتند. نتیجه عدم پیگیری و مطالبه هم این شده که متهمین وضع موجود، مدعی شده‌اند و سختی‌ها و ناکارآمدی‌ها را به نام اقتصاد مقاومتی و تحریم و ضرورت تغییر در سیاست خارجی را برای نجات از وضع موجود به مردم تحمیل می‌کنند.

اینجا باید مسئولین مورد مطالبه و سؤال قرار بگیرند. اینجا بحث، دعوای سیاسی نیست، دعوای سیاسی هم مشکلی را حل نمی‌کند؛ چون فشار واقعی و ناکارآمدی در اقتصاد هست که مردم آن را لمس می‌کنند. نمی‌شود مسئولین عالی اقتصادی جاخالی بدهند و مسئولین بالای فعلی و گذشته کشور از موضع اپوزیسیون و رهنموددهنده سخن بگویند! چنان‌که رهبر انقلاب در افطاری مسئولین نظام به آن ماجرا اعتراض کردند[۱۹] و در روز ششم دی نیز به موضع اپوزیسیونی بعضی مسئولان سابق و فعلی که خود همه امکانات را در اختیار داشتند حمله کردند[۲۰].

باید تهدیدی که یک عده می‌خواهند ناکارآمدی و عدم‌اصلاح اقتصادی را زمینه سازش با دشمن کنند، به فرصت تبدیل کنیم. باید مطالبه کنیم به‌جای ریاضت اقتصادی و نسخه‌های سرمایه‌سالارنه و دستورات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و FATF، باید اقتصاد مقاومتی اجرا شود. هر دو بعد نفی و ایجاب مهم است؛ وقتی می‌توانیم بگوییم باید اقتصاد مقاومتی اجرا شود که نشان بدهیم وضع موجود حاصل اجرای آن نسخه‌های غلط است و این آقایانی که دارند رهنمود می‌دهند و اپوزیسیون شده‌اند، باید همین آقایان بیایند و پاسخگو باشند.

محافظه‌کاران سیاست‌زده، اینجا یا دعوای سیاسی می‌کنند، یا وحدت‌وحدت می‌کنند. رهبری وظیفه‌ای دارد، بنده و شما وظیفه‌مان چیز دیگری است. باید برای نظام و رهبری فضا بازکنیم؛ ولو اینکه به ما بگویند افراطی، سیاسی، تندرو و... . عاملان اصلی در سیبل مطالبه قرار بگیرند. از مسئولین عالی تا مثلاً کسانی که

باید تهدیدی که یک عده می‌خواهند ناکارآمدی و عدم‌اصلاح اقتصادی را زمینه سازش با دشمن کنند، به فرصت تبدیل کنیم. باید مطالبه کنیم به‌جای ریاضت اقتصادی و نسخه‌های سرمایه‌سالارنه و دستورات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی و FATF، باید اقتصاد مقاومتی اجرا شود. هر دو بعد نفی و ایجاب مهم است؛ وقتی می‌توانیم بگوییم باید اقتصاد مقاومتی اجرا شود که نشان بدهیم وضع موجود حاصل اجرای آن نسخه‌های غلط است

در بانک مرکزی پیمان دوجانبه (حذف ارز واســـط و مشخصاً دلار از مبادلات کشور) را انجام نمی‌دهند و بقیه تا تئوریســـین‌های اقتصادی تا ذی‌نفعان واردات وابستگی. این‌ها را باید رفت مطالبه کرد. چهار سال اوضاع دســـتتان بوده است، از اول ماجرای کاتسا در این دوره جدید، سه ماه و خرده‌ای وقت داشتید برای مقاوم‌سازی، چه‌کار کردید؟ مهم است که اگر یک روزی نظام رسید به شرایط بحرانی، همه بدانند مسئولش کسانی هستند که تدبیر نمی‌کنند و نیایند بگویند کشور بن‌بست است و چاره‌ای نیست جز تسلیم کامل! مثل بلایی که اقتصاددانان سر یونان آوردند، دولت چپ را مجبور کردند تندترین ریاضت‌های راست را اجرا کند. این افراد نباید در موضعی باشند و فضای عمومی جور باشد که بتوانند مدعی اراده و مطالبات مردم شوند. یعنی در موضع اتهام به خاطر ناکارآمدیهایشان باشند جوری که نتوانند نظام و مردم را در منگنه بگذارند و چیزهایی از جنس یارانه ندادن اقتصاد به سیاست و ضرورت انتخاب بین انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی، عدول از امنیت ملی بخاطر معیشت و ... بگویند. یکی از جاهایی که باید هدف مطالبه قرار بگیرد اتاق بازرگانی است که به‌نوعی از این دولت برآمده ازآنجاست و سیاست‌های اصلی اقتصادی دولت به‌وسیله آن‌ها هدایت می‌شود و خودشان نیز ذی‌نفع تعاملات خارجی هستند و مواردی مثل حذف قیمت‌گذاری، اجرای FATF، IPC، برجام و... همه و همه به آن‌ها برمی‌گردد. جدیدا هم سریع القلم از اتاق بازرگانی خواسته به حاکمیت بای تعییر در سیاست خارجی و حوزه دفاعی فشار بیاورد.

برای این هزارتا کار می‌شود کرد، از مطالبه مستقیم موارد ذیل اقتصاد مقاومتی تا کار نمادین و... منتها هر کاری که می‌کنیم باید در ذهنمان باشد که علاوه براثر واقعی که مسئله اصلی است، در چشم‌ها بیاید که حزب‌اللهی‌ها معترض وضع موجود هستند و دارند سودبرندگان اصلی وضع موجود را مورد مطالبه و سؤال قرار می‌دهند.

الآن باید ســـتاد جنگ داشته باشـــید؛ جنگ تمام‌عیار اقتصادی. منتها جوری نیست که ۲۴ ساعت همه‌چیز را تعطیل کنید. ما با این ماجرا مدام ســـروکار داریم، وقت گذاشتن می‌خواهد، فکر کردن و ابتکار می‌خواهد. در تجمع دیروز نه دی مشهد که بچه‌های حزب‌اللهی و بسیجی‌های مشهد جمع شدند با همدیگر برنامه‌ریزی کردند، فضای برنامه مشهد این‌گونه شد که حزب‌الله مطالبه‌گر درد مردم است. در کرمانشاه با حجم کوچک‌تر و امروز در شعارهایی که بعضاً از دانشگاه تهران درآمده، فضا همان فضا بود. معلوم است نسل بسیجی الآن دارد می‌فهمد، باید از موضع فعال آن‌ها را محکوم کند که بگوید اشرافی فلان‌فلان شده تو خفه شو، مارکسیست شاسی‌بلند سوار منطقه یک تهران، تو خفه شو! حالا چه با شعار چه با معرفی افراد و... .

یک معضل مهم که با آن روبه‌رو هستید تصویر ساخته‌شده از اقتصاد مقاومتی است. تصویری که در نظر مردم مترادف با سختی کشیدن و کم مصرف کردن و جنس ولو بنجل داخلی مصرف کردن است؛ که هم نتیجه فهم سطحی کنشگران این عرصه است، هم نتیجه جنگ نرم طرف مقابل. درصورتی‌که اصل اقتصاد مقاومتی این بود که برویم ببینیم در اداره کشـــور، در صنعت و علم و فناوری و مدیریت کشـــور، کجا ایراد هست که دشمن می‌تواند با آن آسیب بزند، پیگیری کنیم ماجرا علاج بشود. هم سطح ملی دارد، هم سطح منطقه‌ای. منتها نه باید در کلیات متوقف شـــد و نه در طرح مطالبات با ادبیات تخصصی صحبت کرد. هر مجموعه‌ای برود در حوزه و منطقه خودش ببیند چه مسائلی هست، مشغول مطالبه اصلاح شود. نقش اصلی در اقتصاد مقاومتی با دولت و بعد مجلس و قوه‌قضائیه، سپس نهادهای عمومی غیردولتی است. سرگرم انجام مستقیم کار نشویم!

باید ماجراهای اصلی عینی مربوط به اقتصاد مقاومتی را بفهمیم، این با کلی‌گویی محقق نمی‌شود که تکرار کنیم اقتصاد مقاومتی را اجرا کنید یا در نقد اقتصاد رایج و کلیات اقتصاد مقاومتی صحبت کنیم. ما باید جاهایی همه‌فهم‌تر از مســـائل عینی را دست بگیریم، مثل همین ماجرای حذف دلار از تبادلات کشور (پیمان پولی) جاهایی که حضور خارجی‌ها موجب از بین رفتن تولید ملی است و... . بعضی مسائلش گلوگاه

یک معضل مهم که با آن روبه‌رو هستید تصویر ساخته‌شده از اقتصاد مقاومتی است. تصویری که در نظر مردم مترادف با سختی کشیدن و کم مصرف کردن و جنس ولو بنجل داخلی مصرف کردن است؛ که هم نتیجه فهم سطحی کنشگران این عرصه است، هم نتیجه جنگ نرم طرف مقابل. درصورتی‌که اصل اقتصاد مقاومتی این بود که برویم ببینیم در اداره کشور، در صنعت و علم و فناوری و مدیریت کشور، کجا ایراد هست که دشمن می‌تواند با آن آسیب بزند، پیگیری کنید ماجرا علاج بشود.

و مهم است مثل قراردادهای نفتی، اما بعضی مسائل تنها ارزش نمادین دارد که عمق فاجعه را نشان بدهی مثل این تهیه غذای اتریشی در قطارهای تهران مشهد که نه تکنولوژی پیشرفته است نه ضرورت دارد و... . این‌ها احتیاج به داشتن یک ذهنیت کلی از اقتصاد مقاومتی دارد. می‌توانید از چهره‌های مرجع یا رسانه‌هایی که مطالب مرتبط می‌گذارند، یا گزارش‌های مجموعه‌هایی مثل ایتان، مرکز پژوهش‌ها و... در این موضوعات استفاده کنید. کانال‌هایی مثل احمدی روشن[۲۱]، جمهوری[۲۲]، اقتصاد سیاسی[۲۳]، عیار[۲۴] و... سرفصل‌های مرتبط این موارد را کار می‌کنند.

ج) نقد و نفی تعاملات با آمریکا، اروپا (فرانسه) و سازمان‌های بین‌المللی

باید مسائل اصلی مربوط به تحریم و مذاکرات با آمریکا، اروپا (فرانسه) و سازمان‌های بین‌المللی را بررسی کرد. تجربیات تلخ ما با تعامل با امریکا و اروپا و مشخصاً فرانسه در برجام و دوره‌های پیش و کسان دیگری که مسیر تنش‌زدایی رفتند مثل عراق صدام و لیبی قذافی مدام بازخوانی شود. الآن که فرانسه در نقش پلیس خوب ظاهرشده بازخوانی ضربات فرانسه به ما اولویت دارد. اصل کار و مهمترین بخش اینجاست.

کمک فکری به مسئولین بدهید

بخشی از بچه‌های ما باید بنشینند فکر کنند که در این موضوعات نقش هرکس چیست. یک مجموعه آموزشی کار خوبی کرد، محتوا تولید کرد که در آشوب‌ها رسانه‌ها چگونه باید عمل کنند، بیست محور عینی پیشنهاد داد. بسیاری مسئولین حتی انقلابی ما روزمره‌اند، کمکشان کنید، محتوا تولید کنید که نقش امام‌جمعه چیست. کلیات ننویسید، جامعه‌شناسی مبارزه ننویسید ده تا پیشنهاد عینی بدهید. مسئولین نظامی، امنیتی و... شما باید آن کلیتی که آقا می‌گوید را تبدیل کنید به اینکه همه بسیج‌های دانشجویی، بسیج محلات، کانون‌های فرهنگی، مجموعه‌های فرهنگی مردم‌نهاد دستشان بیاید چه کنند.

از شما برمی‌آید که افق بعدی را ببینید که برنامه دشمن چیست و الآن شروع کنید به برنامه‌ریزی روی آن. البته حواستان باشد در اتاق فکر نمانید، الآن مهم‌ترین مشکل این است کسی کف میدان عملیات نمی‌کند.

خلاصه این‌که چند ماه آینده لیلةالقدر نظام است. یا با ایستادگی ما نظام در مسیر پیشرفت و استقلال قرار می‌گیرد، یا بی‌توجهی ما زندگی مردم را متلاطم کرده و نظام را در آغوش آمریکا و تسلیم کامل می‌اندازند. بیدار و در صحنه باشیم.



پی نوشت:

۱- شهبازی، محمدصادق، شریعتی، مسئله این نیست! ghiam.ir/?p=537.
۲- شهبازی، محمدصادق، ایستادگی مردمی در برابر اجماع تحمیلی نخبگان سیاسی: www.ghiam.ir/?p=1090.
۳- احمدی عموئی، بهمن، اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی: ص ۲۲۷-۲۲۶.
۴- EU Strategy toward Iran.
۵- t.me/jomhouri/788, t.me/jomhouri/789.
۶- در دو بحث «نظام سلطه از جان ما چه می‌خواهد» www.ghiam.ir/?p=2572 و «جای ما در مقابله با نفوذ کجاست» www.ghiam.ir/?p=2443 این بحث‌ها به‌تفصیل بازشده که در اینترنت هم موجود است.
۷- نامخواه، مجتبی، سکولاریزاسیون از مسیر کاپیتالیزاسیون: tabagheh3.ir/1395/7/15.
۸-
t.me/khatamimedia/565 t.me/khatamimedia/414 t.me/khatamimedia/316
t.me/khatamimedia/415. t.me/khatamimedia/430 t.me/sedayemellat/9422 t.me/kalemenews/6151
۹- www.isna.ir/news/96050503000.
۱۰- t.me/jomhouri/2843, t.me/jomhouri/3264.
۱۱- www.isna.ir/news/96101307250.
۱۲- اکبری آهنگر، رضا، درس‌نامه انجمن حجتیه، حق‌پژوهی، مشهد، ص ۲۴۱ و ۲۴۲
۱۳- www.telegram.me/jomhouri
۱۴- t.me/jomhouri/2576, t.me/jomhouri/410.
۱۵- خمینی، روح‌الله، صحیفه امام، ج ۸: ص ۱۳۹ و ج ۹: ص ۵۴۳.
۱۶- t.me/jomhouri/3290,t.me/jomhouri/3294.
۱۷- farsi.khamenei.ir/news-content?id=25370.
۱۸- farsi.khamenei.ir/speech-content?id=25795.
۱۹- farsi.khamenei.ir/speech-content?id=36824.
۲۰- farsi.khamenei.ir/speech-content?id=38575.
۲۱- t.me/aroshan.
۲۲- t.me/jomhouri.
۲۳- t.me/eghtesadsiasi.
۲۴- t.me/ayaronline_ir.

تخمین زمان مطالعه این سخنرانی: ۶۰ دقیقه

از شـــما برمی‌آید که افق بعدی را ببینید که برنامه دشمن چیســـت و الآن شروع کنید به برنامه‌ریزی روی آن. البته حواستان باشد در اتاق فکر نمانید، الآن مهم‌ترین مشـــکل این اســـت کســـی کف میدان عملیات نمی‌کند. خلاصه این‌که چنـــد ماه آینده لیلةالقدر نظام است. یا با ایستادگی ما نظام در مسیر پیشرفت و استقلال قرار می‌گیرد، یا با بی‌توجهی ما زندگی مردم را متلاطم کرده و نظام را در آغوش آمریکا و تسلیم کامل می‌اندازند. بیدار و در صحنه باشیم.

@teribon تریبون teribon.ir